

نوشتن شکلی از زندگی است



الف نشریه داخلی انجمن شاعران و نویسندگان گراش است.

الف پنجشنبه هر هفته در gerishna.com منتشر می شود.

الف شماره ۷۵۱ همزمان با جلسه ۸۵۱ انجمن منتشر شد.

این شماره الف ۱۹ شهریور ۱۳۹۴ در گراش منتشر شده است.

آثار خود را به ایمیل gerash@gmail.com برای الف بفرستید.

محمد خواجهپور، رضا شیروان، ابوالحسن محمودی، حسن تقی زاده و حوریه رحمانیان

اعضای بیست و نهمین دوره گروه دبیران انجمن شاعران و نویسندگان گراش هستند.

الف نشریه ای مستقل است و آثار منتشر شده تنها دیدگاه نویسندگان است

خاطرت مه

چون کفسن	بی ته دنیا
سخت شبسن	دست و پیام
زرد و زالم	بی خودی نی
چون خاللم	رنگ و لیم نی
خرس چش بی	آووه دریا
خرگ تش بی	عشقت انگار
خنجر چش	کارم اُشساخت
چون عسل خش	درد عشقت
بُسم حالا	پاگمیروت
جو مَلا نا	بخداکه

علی اکبر شامحمدی

ردیف

تو آمدی که برایم ترانه خوان باشی
من ابتدای غزل تو ردیف آن باشی

خدا نگاهی از سر رحمت به روی من انداخت
همین که آمده ای تا طبیب جان باشی

کلاه می گنم از سر به ابرها برسد
اگر برای من گنگِ گم، نشان باشی

زمین بایر بی کشت و کار اگر باشم
تو پهنه ای تو وسیعی تو آسمان باشی

تو مثل خواب عجیبی تو مثل روز بلند
تو مثل گریه ای ابری که ناگهان باشی...

تمام بذر مرا در زمین خود کشتی
و کاش تا همیشه برایش تو باغبان باشی

مریم قاسمی زادگان
۱۲ شهریور ۹۴

پاییز

پاییز چه زود از راه می‌رسد
 با فحاشی زنی
 که چنگ در گیسوی ابری ام انداخته
 و
 باران
 از تمام چشمه‌ها آویزان
 چهارده ساله می‌شوم
 و چهارده فصل عاشقی
 در خیابان ورق می‌خورد
 حک می‌شود
 بر تمام ریشه‌ها
 و به باد می‌سپارد
 سرانگشتان من را

سحر السادات حدیقه

زن رانندگی می کرد. بوی سیگار و عطری ملایم به هم آمیخته بود. مرد روی تخت خوابیده بود. یک لنگه کفش صورتی بچگانه را با دستی لرزان فشرد. زن با گوشه ی آستین اشکش را پاک کرد و گفت: دوست دارم. مرد به سختی گفت: منم همینطور. زن نفس عمیقی کشید، چشمانش را بست و ماشین را به سوی پرتگاه هدایت کرد. یک لیوان و شیشه ای قرص روی پاتختی خالی بود.

نسرین خندان



"For sale:

Baby shoes. Never worn."

E. Hemingway

6

« برای فروش:

کفش های بچه. هرگز پوشیده نشده.»

منتسب به ارنست همینگوی / ترجمه: راحله بهادر

۶

خاطرات صددرصد واقعی یک سرخ‌پوست پاره‌وقت

نویسنده: شرمن الکسی ShermanAlexie

مترجم: رضی هیرمندی

ناشر: افق

موضوع:

داستان‌های آمریکایی

- قرن ۲۰ م

تعداد صفحه: ۲۸۰

قطع: رقعی

نوع جلد: شومیز

سال نشر: ۱۳۹۰

نوبت چاپ: ۵

محل نشر: تهران

شمارگان: ۲۲۰۰

رده دیویی: ۸۲۳/۹۱۴

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

خاطرات صددرصد واقعی
یک سرخ‌پوست نیمه‌وقت
شرمن الکسی رضی هیرمندی



ترجمه

در چند کتاب‌خواری پیش رو قصد دارم به شاخه‌ای از ادبیات اعترافی بپردازم: «اتوبیوگرافی» یا به قرار فرهنگستان زبان و ادب فارسی: «زندگی‌نامه‌ی خودنوشت».

در هفته‌ی نخست به سراغ اثری از شرمن الکسی، نویسنده‌ی سرخ‌پوست آمریکایی می‌رویم با اسم مفصل و مفید «خاطرات صددرصد واقعی یک سرخ‌پوست پاره‌وقت».

ابتدا هشدارتان بدهم که تصوراتتان از سرخ‌پوستان به عنوان آدم‌هایی که تنها گرد آتش می‌چرخند، شکار می‌کنند و هر آن قدر که از توحش می‌دانند، از تمدن نمی‌دانند و به این دلیل حق است که پای‌شان را از اجتماع سفیدپوستان بربید، را بگذارید کنار. این‌جا با فرهنگ، زندگی، مشکلات و محرومیت‌های سرخ‌پوستانی آشنا خواهید شد که به خانواده اهمیت می‌دهند، در مواجهه با مرگ پدر و مادرشان کودک پنج‌ساله می‌شوند، به اندازه‌ی دیگران استعداد دارند، عاشق می‌شوند، برای خواسته‌های‌شان می‌جنگند و با همه‌ی شباهت‌شان به سفیدپوستان، باز محکوم به انزوایند و مظلوم و قربانی به نوعی. این بار با روایت یک سرخ‌پوست از سرخ‌پوستان مواجه‌اید؛ سرخ‌پوستی که مظلومیت نژاد و جانمایه‌ی رمانش را با همین ادعای خنده‌دار غم‌انگیز شرح می‌دهد: «وقتی کوچک بودم، ظرف یک هفته سه بار جلوی بابام را به خاطر «رانندگی در حال سرخ‌پوست بودن» گرفتند.»

آرنولد اسپیریت، راوی رمان، نوجوان کاریکاتورستیست از سرخ‌پوستان آمریکا که اقامتگاه سرخ‌پوستان را به قصد تحصیل در مدرسه‌ی سفیدپوستان ترک می‌کند و این گونه‌ست که از این‌جا رانده و از آن‌جا مانده می‌شود؛ دوستان هم‌نژادش او را خائن می‌انگارند و بچه‌های سفیدپوست مدرسه او را بیگانه می‌دانند.

این کتاب با ۳۲ بخش کوتاه به انضمام کاریکاتورهایی از الن فورنی، برای نوجوانان نوشته شد اما با استقبال بزرگسالان مواجه شد.

عارف‌رسولی نژاد



خبری از حال خال کربو

می‌دانستند.

به نظر استوار در داستانی به این کوتاهی توصیفات باید کمکی به پرداخت و طرح داستان داشته باشد ولی در این داستان سطرهای اولی برای رسیدن به پایان داستان است و نقش خاصی ایفا نمی‌کرد.

در شعر خانم حدیقه رنگین کمان ابتدا به صدا تشبیه شده و بعد به رنگ و نور، تشبیهات استفاده شده به تصویر و خیال قابل تصویری نمی‌انجامد و همین ممکن است در ارتباط خواننده با شعر اشکال ایجاد کند.

برای این که تم شعر تکمیل شود، پیش‌نهاد شد رنگین کمان اولی حذف شود. مثلاً بشود هذیان ابرها. در این حالت ابرها می‌آیند و رعد و برق نگاه‌ها طوفان به پا می‌کند و بعد شاعر وجدی شبیه به رنگین کمان را احساس می‌کند.

شهرام پورشمسی هذیان رنگین کمان را به عنوان فحش و بد و بیراه جالب دانست..

به نظر خواجه‌پور «خسته» از نظر «کشف شعریت در وقایع» گام بزرگی برای فعالیت شعری فتاحی بود. اگر پیوستگی شعر حفظ می‌شد و مضمون کشف شده امتداد پیدا می‌کرد این گام می‌توانست باز هم بلندتر باشد.

در حال حاضر شعر از نظر تک بیت‌ها به کشف‌های خوبی رسیده است اما مضمون در بیت بعد تغییر می‌کند.

در داستان ترجمه پیش‌نهاد شد که متن ترجمه هم می‌توانست در شش کلمه باشد.

در شعر ازدواج در مورد زمان فعل در ابتدای شعر صحبت شد. به دلیل کم استفاده بود از زمان مضارع ساده در فارسی مترجم مجبور به استفاده از مضارع استمراری شده است.

شعر ازدواج هدیه ویژه مسعود غفوری به ابوالحسن محمودی و خانواده محترم بود.

وقتی خبر قتل باشد و استعفا باشد و آدم‌ربایی باشد و عروسی باشد و نامزدی باشد و شورای ترافیک باشد و رضا شیروان نباشد و گزارش نباشد نتیجه این که الف در واتساپ منتشر نمی‌شود و گزارش این هفته که هفته ۸۵۱ کمی درازتر و بیشتر واقعی‌تر از هفته قبل که ۸۵۰ بود، می‌شود.

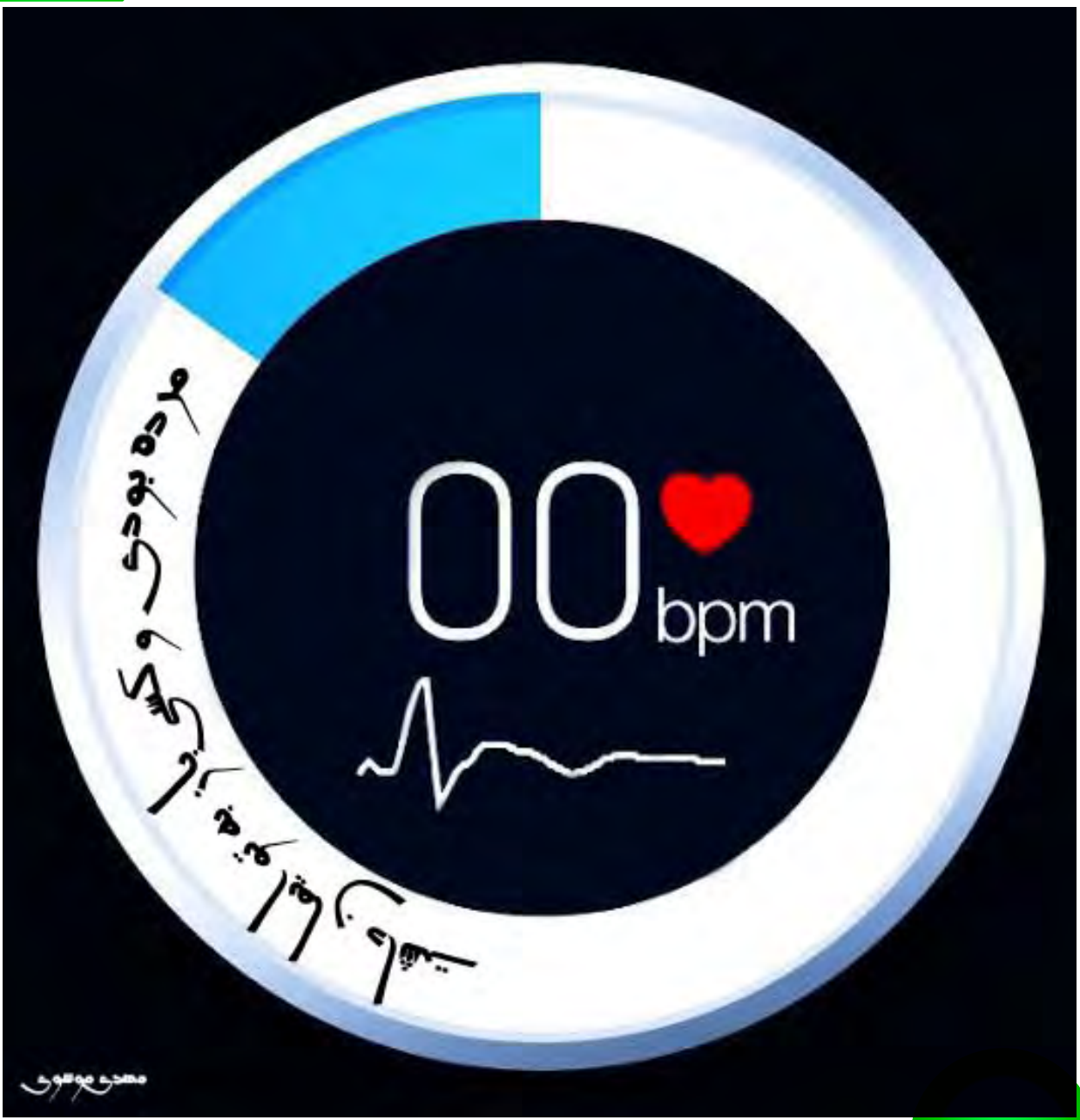
با یاد و خاطره رضا شیروان و با امید شیرینی دادن ابوالحسن محمودی افراد زیر به جلسه ۸۵۰ آمده بودند: محمد خواجه‌پور، ابوالحسن محمودی، مسعود غفوری، محمود غفوری، شهرام پورشمسی، مهدی فتاحی، محمد فتاحی، فاطمه ابراهیمی، فرزانه استوار، راحله بهادر، فاطمه یوسفی و سمیه کشوری

داستان «کرنر» از راحله بهادر بر اساس چند محور خوانش شد. خواجه‌پور معتقد بود با موازی قرار دادن بازی کودکان خیابان با آنچه در ساختمان می‌گذرد، می‌توان رابطه در ساختمان را نیز نوعی بازی دانست. دور از چشم دیگران و با احتمال شکسته شدن شیشه‌هایی که باعث افشای همه چیز می‌شود.

مسعود غفوری روایتی بر پایه خیانت از داستان داشت. که در آن راوی می‌توانست در واقع همسر زنی باشد که خداحافظی می‌کند.

بیشتر توجه در نقدهای انجمن بر روی نقش راوی در داستان بود. در خوانش اول او هم تماشاگر بازی بچه‌ها است و هم تماشاگر بازی دیگری که در آپارتمان جریان دارد.

در داستان توقف با داستانی مستقیم و اخلاقی روبه‌رو بودیم. دیدگاه‌هایی دوگانه در مورد داستان وجود داشت. مسعود غفوری داستان را کامل دانست ولی ابوالحسن محمودی و فرزانه استوار عدم توجه به جزئیات و بزرگنمایی را نقطه ضعف داستان



مردم بودی

فرزانه استوار

۹

شعرنوشت ۴